

نظم گفتمانی حاکم بر سیاست‌گذاری عمومی پس از انقلاب اسلامی در ایران

متین انجم روز^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۸

چکیده: پس از انقلاب اسلامی و از همان روزهای نخست پیش از سیطره‌ی کامل گفتمان اسلام فقاهتی ساختارهای جدیدی با اهداف متفاوت از رژیم گذشته در ایران بوجود آمد. از این رو این برهه‌ی زمانی را می‌توان به‌عنوان نقطه‌ی عطف مهمی در فرآیند سیاست‌گذاری عمومی در ایران معاصر تلقی کرد. پرسش اصلی ما در این مقاله این است که گفتمان اسلام فقاهتی چه نقشی در سیاست‌گذاری عمومی در جمهوری اسلامی ایران دارد؟

با بررسی اصول مرتبط با سیاست‌گذاری عمومی درمی‌یابیم که نهاد رهبری یا ولایت فقیه به‌عنوان دال مرکزی گفتمان اسلام فقاهتی و نقطه‌ی کانونی سیاست‌گذاری در قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌باشد. همچنین با بررسی سیر تکامل قانون اساسی در می‌یابیم که بازنگری سال شصت و هشت منجر به تغییر سیاست‌گذاری عمومی از غیرمستقیم توسط ولی فقیه به مستقیم توسط ولی فقیه شده است. با توجه به این‌که رویکرد این پژوهش توصیفی و پسینی است رویکرد وندایک به گفتمان با توجه به مفاهیم مدنظر لاکلائو و موفه مناسب‌ترین روش برای این پژوهش می‌باشد.

واژگان اصلی: اسلام فقاهتی، انقلاب اسلامی، سیاست‌گذاری عمومی، خرده‌گفتمان ولایت انتصابی فقیه، خرده‌گفتمان ولایت انتخابی.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و برقراری نظام جمهوری اسلامی ذیل استیلای فقها، برای نخستین بار در دوره‌ی غیبت امام معصوم (عج) بود که یک حکومت با رهبری و امامت یک فقیه شکل می‌گرفت. هرچند پیش از این، حکومت‌های شیعی و یا قیام‌هایی از سوی فقها شکل گرفته بود، ولی هیچ‌گاه این حد از اشراف و تاثیر فقها در اداره‌ی امور جامعه پیش نیامده بود. در واقع تشکیل نظام جمهوری اسلامی، از سویی فرصتی بی‌نظیر را برای تحقق عملی فقه شیعه در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی فراهم آورد و از دیگر سو، توانست آفاق جدیدی را به لحاظ نظری در مقابل فقه شیعه بگشاید. از این رو این برهه‌ی زمانی را می‌توان به‌عنوان نقطه‌ی عطف مهمی در فرآیند سیاست‌گذاری عمومی در ایران معاصر تلقی کرد.

اساساً حکومت‌ها همواره مسایل پیش روی خود را با اتخاذ سیاست‌هایی حل می‌کنند که مشخص‌کننده شیوه‌ی مورد اعتماد آن نظام سیاسی در مواجهه با مسایل ادراک شده می‌باشد. انتساب یک حکومت به یک مکتب فکری، در دو عنصر ساختار سیاسی و نظام سیاست‌گذاری آن متجلی می‌گردد. جمهوری اسلامی ایران به زعامت فقها نیز که داعیه‌ی انتساب به مبانی دین مبین اسلام را دارد، ناگزیر است که بر همین مبنا، ساختار سیاسی و نظام سیاست‌گذاری خود را منطبق بر اراده‌ی شارع مقدس ساماندهی بکند.

در این مقاله ما پس از تعریف مفاهیم مدنظرمان با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان ون‌دایک با توجه به مفاهیم مدنظر لاکاتو و موفه به سیر استیلای گفتمان اسلام فقاهتی و پس از آن به سیر استیلای خرده‌گفتمان ولایت انتصابی در قانون اساسی با توجه به غیریت‌سازی‌ها و برجسته‌سازی‌ها و تاثیر آن بر روند سیاست‌گذاری عمومی در جمهوری اسلامی خواهیم پرداخت. پرسش اصلی ما در این مقاله این است که گفتمان اسلام فقاهتی چه نقشی در سیاست‌گذاری عمومی در جمهوری اسلامی ایران دارد؟ در همین راستا پرسش‌های فرعی دیگری نیز مطرح شده است. نخست این‌که اسلام فقاهتی چگونه و طی چه مسیری به گفتمان مسلط در ایران پس از انقلاب تبدیل شده است؟ دوم این‌که چه خرده‌گفتمان‌هایی ذیل گفتمان اسلام فقاهتی در چارچوب جمهوری اسلامی وجود دارند؟ سوم این‌که بر مبنای قانون اساسی چه نهادهایی نقش موثرتری در سیاست‌گذاری عمومی در جمهوری اسلامی دارند؟ و چهارم این‌که با توجه به سیر تحول قانون اساسی از پیش از بازنگری تا پس از آن، کدام یک از خرده‌گفتمان‌های اسلام فقاهتی به گفتمان هژمون تبدیل شده است؟

پس از انقلاب و پیروزی گفتمان اسلام فقاهتی امام خمینی رحمه الله علیه با دیدگاه ویژه و خاص خود به شکل جدی موضوع تدوین قانون اساسی را در دستور کار سیاست‌گذاران کشور در دوره انقلاب یعنی شورای انقلاب قرار داد. اما در نهایت این مجلس خبرگان قانون اساسی تحت سیطره‌ی گفتمان اسلام فقاهتی بود که با هدف هژمون‌سازی ایدئولوژی خاص خویش و با بهره‌گیری از فضای انقلابی وقت کشور و حمایت‌های امام خمینی رحمه الله علیه دست به تدوین قانون اساسی زد. پس از ده سال و با بروز چالش‌های جدی و نگرانی‌های اساسی از بوجود آمدن بن‌بست‌های عملی در روند حکومت و بالا گرفتن رقابت میان دو خرده‌گفتمان ولایت انتخابی و انتصابی، قانون اساسی با فرمان امام خمینی رحمه الله علیه مورد بازنگری قرار گرفت. با بررسی اصول مرتبط با نهاد رهبری یا ولایت فقیه به عنوان دال مرکزی گفتمان اسلام فقاهتی و نقطه‌ی کانونی سیاست‌گذاری در قانون اساسی جمهوری اسلامی درمی‌آییم که سیر تکامل قانون اساسی منجر به تغییر سیاست‌گذاری عمومی از غیرمستقیم توسط ولی فقیه به مستقیم توسط ولی فقیه گردیده است.

۲- پیشینه تحقیق

متأسفانه با توجه به نبودن مطالعه پیرامون سیاست‌گذاری عمومی در ایران و همچنین ویژگی‌های خاص سیاست‌گذاری عمومی در بستر جمهوری اسلامی و با توجه به سیر تحول در نظم گفتمانی پس از انقلاب اسلامی، در ارتباط با موضوع مورد بحث سوابق کمی مشاهده شده است. البته پیرامون پیشینه‌ی این تحقیق، دو محور اساسی قابل طرح می‌باشد: نخست، رویکردهای متفاوت به فقه و دوم سیاست‌گذاری عمومی. بررسی ادبیات و پیشینه‌ی هر کدام از این محورها با توجه به منابع ارزشمندی که در این حوزه‌ها موجود می‌باشد، به شکل مجزا بسیار راهگشا می‌باشد. البته با توجه به محدودیت‌های حاکم بر این مقاله، تمرکز این بخش بر بررسی منابعی خواهد بود که نه فقط با توجه به محورها، بلکه از منظر مفهومی با موضوع این مقاله رابطه‌ی وثیقی داشته باشند.

نخستین کتاب از کمال اکبری (۱۳۹۲) تحت عنوان "فقه سیاسی و جمهوری اسلامی" می‌باشد که توسط پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به چاپ رسیده است. این کتاب در یک مقدمه، چهار بخش و چند فصل مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش اول، مفاهیم، کلیات و روش تحقیق مورد توجه قرار می‌گیرد که این بخش در قالب سه فصل ارائه شده است تا ضمن بررسی مفاهیم و کلیات، مباحث روشی نیز به طور مفصل بررسی شود. در بخش دوم، تأثیرات فقه سیاسی بر جمهوری

اسلامی ایران و درهم تنیدگی فقه سیاسی با نظم سیاسی جدید مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش سوم تاثیر تاسیس جمهوری اسلامی ایران بر فقه سیاسی در قالب چهار فصل بررسی می‌شود و نهایتاً در بخش آخر به بررسی نظام سازی در فقه سیاسی بر اساس تجربه حکومت اسلامی اختصاص خواهد داشت. این کتاب برگرفته از تز دکتری نویسنده تحت عنوان "تاثیر متقابل فقه سیاسی و جمهوری اسلامی ایران" که تحت راهنمایی محمد جواد ارسطا و مشاوره‌ی علی‌رضا امینی و نجف لک‌زایی در دانشگاه باقرالعلوم نگاشته شده است، می‌باشد.

کتاب دوم از سید کاظم سید باقری (۱۳۸۸) تحت عنوان "فقه سیاسی شیعه" که توسط پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی منتشر شده است، می‌باشد. تمرکز نویسنده در این کتاب بیشتر به مباحث و معیارها و سازوکارهای تحول فقه سیاسی می‌باشد. فصل ششم این کتاب تحت عنوان "ساحت‌های بایسته تحول فقه سیاسی شیعه در دوره معاصر" می‌باشد که در آن نویسنده افق‌های بایسته تحول در فقه سیاسی را مورد توجه قرار داده است.

کتاب سوم از جلال درخشه (۱۳۸۶) تحت عنوان "گفتمان سیاسی شیعه در ایران معاصر" که توسط انتشارات دانشگاه امام صادق منشور شده است. این کتاب درباره‌ی تحول اندیشه‌های سیاسی علمای شیعه در ایران معاصر با تاکید بر سالهای ۱۳۵۷-۱۳۲۰ بحث می‌کند و درصدد است با رهیافتی علی-توصیفی، ضمن بررسی اندیشه‌ی سیاسی علمای شیعه ایران، گوهر اندیشه دینی-سیاسی موجود در سال‌های مزبور را بشناساند و دگرگونی‌های آن را نسبت به دوره‌های پیشین، هویدا سازد. در این کتاب، نویسنده کوشیده است تا به تمرکز بر زیرساخت‌های ذاتی فکر سیاسی شیعه که مبتنی بر اصول ثابت و تغییرناپذیر است، به سیر تحول اندیشه‌ی فقهی بپردازد.

کتاب چهارم از محمد جواد ارسطا (۱۳۹۴) تحت عنوان "مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران" منتشر شده توسط انتشارات دانشگاه امام صادق می‌باشد. این کتاب، سی سال پس از تدوین قانون اساسی، بر آن است که به بررسی عمیق‌تر و دقیق‌تر مبانی فقهی این قانون بپردازد. در فصول این کتاب مهم‌ترین مبانی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از حیث فقهی-حقوقی و سیاسی بررسی شده و در ضمن آن به سوالات مهم پیرامون آن پاسخ داده شده است.

کتاب پنجم از محسن اراکی (۱۳۹۳) تحت عنوان "فقه نظام سیاسی اسلام" (دو جلدی) منتشر شده توسط دفتر نشر معارف می‌باشد. محتوای این کتاب، شامل بخش نخست دروس خارج فقه آیت الله محسن اراکی با همین عنوان است که تدریس آن از سه سال قبل‌تر، به همت دبیرخانه مجلس

خبرگان رهبری و با همکاری جامعه محترم مدرسین و شورای عالی حوزه علمیه قم آغاز شده است و همچنان ادامه دارد. تمرکز آیت‌الله اراکی در این مباحث بر تبیین فقه خرد و فقه کلان (نظام) می‌باشد.

با مروری بر آثار و ادبیات موجود، مشاهده می‌نماییم که در هیچ یک از آثار مذکور، اولاً: به بحث سیاست‌گذاری عمومی در نزد رویکردهای متفاوت فقهی پرداخته نشده است. دوماً: بررسی رویکردهای متفاوت به فقه حداکثری (فقه حکومتی) و شکل‌گیری نظم گفتمانی در این حوزه کاملاً منحصر به فرد می‌باشد و پیش از این در هیچ پژوهشی مورد استفاده قرار نگرفته است، سوماً در اکثر این آثار تنها از یک وجه به موضوع توجه شده است. لذا در این مقاله، نویسنده از دریچه‌ای نوین و منحصر به فرد به این عرصه خواهد پرداخت.

۳-چارچوب مفهومی

۳-۱-فقه

فقه به معنای مطلق فهم و ادراک و دانش، علم به چیزی، درک و فهم آن چیز، دانستن، فهمیدن؛ فهم دقیق چیزی؛ درک اشیاء مخفی، فهم اشیاء دقیق؛ درک منظور و هدف گوینده؛ فهم دقیق مسائل نظری؛ جودت ذهن و سرعت انتقال؛ پی بردن از معلومات حاضر به معلومات غایب به کار رفته است. (گرچی، ۱۳۷۷: ۷) (شهابی، ۱۳۷۸: ۷) (جناتی، ۱۳۷۴: ۳)

جوادی آملی معتقد است که فقه دانش به دست آوردن احکام شرعی اسلامی فرعی، با روش‌های معینی از منابع فقه است (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۱۸) هرچند واژه‌ی فقه به معنی درک کردن و فهمیدن عمیق است (مصطفوی، ۱۴۰۲: ج ۴، ۲۸۹) ولی از آنجا که مسلمانان علم و فهم از دین را شریف‌تر از سایر علوم می‌دانسته‌اند در نتیجه فقط فهم از دین را فقه نامیده‌اند و این‌گونه بود که اصطلاح علم فقه به وجود آمده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۵، ۱۱۲۰)

مشکینی نیز فقه را دانش به دست آوردن احکام شرعی اسلامی فرعی با روش‌های معینی از منابع فقه می‌داند. (مشکینی، ۱۴۱۶: ۱۸۰) از این منظر فقه در اصطلاح عبارت است از روشی که به‌وسیله‌ی آن احکام شرعی را از ادله‌ی تفصیلی به دست می‌آوریم. از منظر عموم علمای شیعه دلایل تفصیلی عبارتند از: قرآن، سنت، اجماع و عقل. (شب‌خیز، ۱۳۹۲: ۲۴) (مطهری، ۱۳۹۴: ج ۳، ۶۸-۷۰) از منظر تاریخی فقه شیعی دوره‌های متعددی را سپری کرده است که هر یک مشخصات و

ویژگی‌های خاصی دارد. از دوره‌ی نخست بعد از وفات پیامبر که فقه شیعه به واسطه‌ی وجود امامان صرفاً بیان احادیث بود تا دوره‌ی معاصر این علم دستخوش تغییرات روشی و محتوایی زیادی قرار گرفته است.

به دوره‌ای که از امام خمینی رحمه الله علیه آغاز شده و تاکنون نیز ادامه دارد عصر کاربرد همه-جانبه‌ی فقه می‌گویند. تا پیش از دوره‌ی امام خمینی رحمه الله علیه به دلیل نبودن حکومت اسلامی زمینه‌ی اجرای تعداد قابل توجهی از ابواب فقهی فراهم نبود. امام خمینی رحمه الله علیه فقه را احیا کرد و آن را متحول ساخت. ایشان معتقد به فقه عملی بودند. (امام خمینی، ۱۳۸۸: ج ۱، ۱۰۰) همچنین ایشان در بیش و ویژه‌ی فقهی خود به نقش دو عنصر زمان و مکان عنایت داشتند و فقه شیعه را بر این مبنا پاسخگوی نیازهای بشری در همه‌ی اعصار می‌دانستند. (امام خمینی، ۱۳۸۸: ج ۲۱، ۹۸)

۲-۳- سیاست‌گذاری عمومی

از منظر شافریتز^۱ سیاست‌گذاری عمومی^۲ عبارت است از یک تصمیم پایدار از سوی یک منبع واجد حق فرمانرانی مانند یک دولت، یک شرکت یا سرپرست یک خانواده. سیاست‌گذاری‌ها می‌توانند هدف‌هایی نیز باشند که باید آن‌ها را به دست آورد. مثلاً رفاه بیشتر برای همه یا سود بیشتر شرکت و یا حتی یک آموزش خوب برای هر یک از فرزندان. منظور از عمومی نیز مردم به طور کلی یا تمام شهروندان یک قلمرو سیاسی مانند یک شهر یا یک کشور می‌باشد. (Shafritz and

Russell and Borick, 2008: 5)

اندرسن با نگاهی دقیق و جامع به مفهوم سیاست‌گذاری عمومی آن را مجموعه‌ای از اقدام‌ها یا بی‌اقدامی‌ها که یک یا چند بازیگر در برخورد با یک مساله یا دغدغه در پیش می‌گیرند تعریف می‌کند. (Anderson, 1994: 5) اسمیت^۳ و لاریمر^۴ معتقدند که این تعریف از سیاست‌گذاری به مجموعه بارزی از ویژگی‌های سیاست‌گذاری عمومی اشاره دارد. بر این مبنا سیاست‌گذاری عمومی تصادفی نیست بلکه هدفمند و هدف‌گرا است و از جانب مقامات حکومتی اتخاذ می‌شود و

¹ Jay M. Shafritz (1944)

² Public Policy

³ Kevin B. Smith (1963)

⁴ Christopher Larimer

همچنین دارای الگویی از اقدامات است که به مرور زمان در پیش گرفته می‌شوند. در ضمن سیاست-گذاری عمومی ماحصل تقاضا یا فشار است یعنی محصول مجموعه‌ایی از اقدامات جهت دار دولت در واکنش به فشار ناشی از برخی مسایل ادراک شده است و در انتها سیاست‌گذاری عمومی می‌تواند مثبت به معنای کنش هدفمند سنجیده یا منفی به معنای تصمیم هدفمند سنجیده برای عدم اقدام باشد. (Smith and Larimer, 2013: 34)

هرچند پیدایش علوم سیاست‌گذاری ریشه در آثار لاسول^۱ و لرنر^۲ در اوایل دهه‌ی پنجاه میلادی دارد با این حال نهادینه شدن و گسترش این رشته در اواسط دهه‌ی شصت و بویژه در اواخر این دهه آغاز شد. در واقع فشارهای روزافزون سیاسی و اجتماعی برای استفاده‌ی کاربردی از علوم اجتماعی در حل مسایل روزمره و ظهور و بروز این نظریه که نقش عوامل اقتصادی و اجتماعی در تصمیم‌گیری‌های دولتی و در سیاست‌گذاری‌ها بیش از عوامل سستی مانند گرایش‌های حزبی و ایدیولوژی‌های سیاسی مؤثر است. (Sabatier, 1991: 144-156)

لاسول یکی از پایه‌گذاران علوم سیاست‌گذاری، سه ویژگی برای این رشته برمی‌شمرد چند رشته‌ای^۳، راه‌حل‌یاب^۴ و به وضوح هنجاری^۵ یا ارزشی. منظور او از چند رشته‌ای یا چند جانبه بودن علوم سیاست‌گذاری آن است که علوم سیاست‌گذاری بایستی خود را از قید و بند مطالعات محدود نهادها و ساختارهای سیاسی رها بسازد و به جای آن خود را به شاخه‌های دیگری چون جامعه‌شناسی و حقوق و البته اقتصاد پیوند بزند. همچنین ویژگی راه‌حل‌یاب بودن را برای پیوند زدن علوم سیاسی با مسایل واقعی جهان^۶ و نه فقط باقی ماندن آن در حصارهای آکادمیک وضع می‌کند و در پایان نیز با هنجاری خواندن علوم سیاست‌گذاری بر آن است که سیاست‌گذاری نباید بر عینیت علمی^۷ پای فشارد، زیرا جدا کردن اهداف از ابزارها یا ارزش‌ها از تکنیک‌ها در مطالعه‌ی فعالیت‌های دولتی امکان‌پذیر نیست. همچنین وی معتقد است که علوم سیاست‌گذاری به همگونی و ایجاد پیوند

¹ Harold Dwight Lasswell (1902-1978)

² Daniel Lerner (1917-1980)

³ Multi disciplinary

⁴ Problem-solving

⁵ Explicitly normative

⁶ Real world objectivity

⁷ Scientific objectivity

بین تخصص‌های گوناگون گرایش دارد. (Lasswell, 1951: 3-15)

برای سیاست‌گذاری عمومی می‌توان چهار سطح را در نظر گرفت. نخست سطح کلان (قانون اساسی و مجامع رهبری)، سطح بینابینی (مجلس و قوانین موضوعه)، سطح تصمیمی (دولت و کابینه) و در نهایت سطح اجرایی (وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌ها و بنگاه‌های دولتی). در این پژوهش تمرکز مان بر چارچوب تدوین سیاست‌گذاری‌های کلان می‌باشد که دارای مراحل ساخت مفهومی سنگین‌تر و درازدامن‌تری نسبت به دیگر سطوح سیاست‌گذاری می‌باشد.

۴- روش پژوهش

هرچند که از منظر لغوی گفتمان^۱ به معنای صحبت و مکالمه یا گفتگو و دربردارنده‌ی نوعی هدف آموزشی می‌باشد. (مک دانل، ۱۳۸۰: ۱۰) ولی میشل فوکو^۲ از آن در معنایی جدید و دربرگیرنده‌ی نشانه‌های زبان‌شناسانه یعنی گفتار و نوشتار و نیز غیرزبان‌شناسانه یعنی رفتار و روان بهره جست. از این منظر گفتمان نه تنها زبان بلکه کل حوزه‌ی اجتماعی انسان را نیز در برمی‌گیرد و افزون بر تولید نظامی از حقیقت آن را بر سوژه نیز تحمیل می‌کند. (تاجیک، ۱۳۸۳: ۲۴)

ارنستو لاکلاو^۳ و شانتال موفه^۴ با بهره‌گیری از برداشت فوکو از گفتمان، آن را به هم‌هی امور اجتماعی و سیاسی گسترش دادند. آن‌ها معتقد بودند که گفتمان‌ها تصور ما از حقیقت و جهان را شکل می‌دهند و فهم امور اجتماعی و سیاسی و به طور کلی جهان حقیقت تنها در درون ساخت‌های گفتمانی امکان‌پذیر است. (تاجیک، ۱۳۷۹: ۵۰-۵۱)

لاکلاو و موفه از مفاهیم متعدد و گاه پیچیده‌ای برای تبیین نظریه‌ی خویش بهره جستند که به شکلی خاص و زنجیروار با یکدیگر مرتبط‌اند. برای فهم تحلیل گفتمان از این منظر ناگزیر هستیم به این مفاهیم به شکل هرچند اجمالی بپردازیم.

دال و مدلول: دال‌ها مفاهیم یا نمادهایی انتزاعی یا حقیقی هستند که در چارچوب‌های گفتمانی خاص بر معانی خاصی دلالت می‌کنند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌نماید را مدلول

¹ Discourse

² Paul Michel Foucault (1926-1984)

³ Ernesto Laclau (1935-2014)

⁴ Chantal Mouffe (1943)

می‌گویند. (Jorgensen & Phillips, 2002: 26)

دال مرکزی^۱: مفهوم یا نمادی که سایر دال‌ها حول محور آن جمع و مفصل بندی می‌شوند. از این رو دال مرکزی به مثابه عمود خیمه است که اگر برداشته شود کل خیمه فرو می‌ریزد. به دیگر سخن دال مرکزی نشانه‌ی ممتازی است که نشانه‌های دیگر حول آن انسجام می‌یابند. این دال دیگر دال‌ها را شارژ می‌کند و آن‌ها را در قلمرو جاذبه‌ی معنایی خود نگه می‌دارد. در نتیجه کل نظام معنایی یک گفتمان بر حول دال مرکزی استوار است و به دیگر سخن هسته‌ی مرکزی منظومه‌ی گفتمانی را دال مرکزی تشکیل می‌دهد (Jorgensen & Phillips, 2002: 37)

دال شناور^۲: به عناصری گفته می‌شود که امکان دریافت معانی گوناگون را دارند. (Jorgensen & Phillips, 2002: 60) به دیگر سخن به عناصری که مدل‌های فراوان و متفاوتی دارند می‌گویند که محل رقابت گفتمان‌ها برای انتسابشان به خود می‌باشد. از این منظر گفتمان‌ها بر مبنای ساختار نظام معانی خود مدل‌های سازگار با خویش را برجسته سازی کرده و دیگر مدل‌ها را به حاشیه می‌رانند.

عنصر: به نشانه‌هایی که معنای تثبیت شده‌ای ندارند و گفتمان‌ها می‌کوشند به آن‌ها معناداری کنند می‌گویند. در واقع عناصر دال‌های شناوری هستند که هنوز در قالب یک گفتمان قرار نگرفته‌اند. (تاجیک، ۱۳۷۹: ۷۶)

غیریت‌سازی: اساساً گفتمان‌ها در ضدیت^۳ و غیریت^۴ با یکدیگر شکل می‌گیرند و هویت‌یابی یک گفتمان صرفاً در تعارض با گفتمان‌های دیگر امکان‌پذیر است. از این رو گفتمان‌ها همواره در برابر خود غیریت‌سازی می‌کنند. در تحلیل گفتمان غیریت‌سازی به معنای مبارزه بر سر خلق معناست. در واقع گفتمان‌ها با یکدیگر در حال نزاع هستند و سعی می‌کنند واقعیت را آن‌گونه که خود می‌خواهند تعریف کنند. (Simpson, 1990)

مفصل بندی: مجموعه‌ای از اجزاء، مفاهیم یا نمادهایی هستند که پیرامون یک دال مرکزی صورت‌بندی یا جایابی شده‌اند و براین مبنای هویت خویش را به دست می‌آورند. از این رو مفصل بندی

¹ Nodal Point

² Floating Signifier

³ Antagonism

⁴ Otherness

موجب تولید نظام معنایی می‌شود و مجموعه‌ی ساخت‌مند حاصل از عمل مفصل‌بندی را گفتمان می‌نامند. (تاجیک، ۱۳۷۹: ۶۲) (Howarth & Torfing, 2005:316-317)

استیلا و سیطره: هرگاه بر سر معنای خاصی برای یک دال در جامعه اجماع حاصل شود و یا به عبارت دیگر هرگاه افکار عمومی معنای مشخصی را برای آن هر چند به طور موقت بپذیرند، آن دال سیطره می‌یابد و با سیطره‌ی دال‌های یک گفتمان کل آن گفتمان استیلا می‌یابد. استیلا غایت یک گفتمان به شمار می‌رود و این مهم به کمک تثبیت معنا و سیطره امکان‌پذیر خواهد بود. در واقع استیلا‌ی یک گفتمان به معنای موفقیت آن در تثبیت معانی مورد نظر خود است. (Laclau & Mouffe, 1985: 44)

قدرت: در تحلیل گفتمان قدرت وسیله‌ای است برای طرد غیر و تثبیت خود. از این‌رو گفتمان‌ها می‌کوشند به وسیله‌ی اعمال قدرت بر یکدیگر پیروز شوند. توانایی گفتمان‌ها در سیطره و استیلا وابسته به میزان قدرتی است که پشت آن‌ها وجود دارد و از آن‌ها حمایت می‌کند. (Fairclough, 2001: 53) در واقع قدرت پشت یک گفتمان به وسیله‌ی برجسته‌سازی، نشانه‌ها را به گونه‌ای خاص، معنا می‌کند و با تولید اجماع، آن را در افکار عمومی استیلا می‌بخشد. از این منظر قدرت تمام فرایندها و نیروهایی که جهان اجتماعی را می‌سازند و آن را برای ما معنادار می‌کنند در بر می‌گیرد. (Howarth, 2000:171)

به هر گفتمانی از دو منظر می‌توان پرداخت. نخست منظر «باید» که همان تعریف است و دوم منظر «است» که همان تحقق می‌باشد. از منظر باید یا تعریف، برای هر گفتمانی یک تعریف خالص و کامل ارایه می‌گردد. از این منظر تیپ ایده‌آل یا شکل نهایی یک گفتمان تعریف و مشخص می‌گردد. از منظر است یا تحقق، منظور وجود واقعی و تاریخی یک گفتمان می‌باشد. از این منظر آنچه در عالم خارج محقق شده است مدنظر پژوهشگر می‌باشد. در این پژوهش، مقام و منظرمان نسبت به موضوع پژوهش یعنی فقه و سیاست‌گذاری عمومی در ایران معاصر همان مقام و منظر «است» یا تحقیقی می‌باشد. این منظر که در ذیل شیوه‌ی گفتمان‌شناسی پسینی^۱ قرار می‌گیرد در مقابل گفتمان‌شناسی پیشینی^۲ قرار دارد. (Hamlyn, 1967: 140)

¹ a posteriori

² a priori

تئون ون دایک^۱ زبان‌شناس هلندی برای مفهوم گفتمان سه بعد اصلی در نظر می‌گیرد. نخست کاربرد زبان. دوم تعامل در موقعیت‌های اجتماعی و سوم برقراری ارتباط میان باورها یا شناخت. از منظر وی وظیفه‌ی اصلی در مطالعه‌ی گفتمانی فراهم‌آوردن توصیفی یکپارچه از این سه بعد اصلی می‌باشد. (Van Dijk, 2000: 40) وی معتقد است که برای ارایه‌ی یک توصیف منسجم از این سه بعد باید مولفه‌های اساسی زیر مورد توجه قرار بگیرند.

چه کسی به کاربرد زبان روی می‌آورد؟ در چه بافتی آن را به کار می‌گیرد؟ چرا زبان را به کار می‌گیرد؟ چگونه زبان را به کار می‌گیرد؟ چه وقت زبان را به کار می‌گیرد؟ با کاربرد زبان در پی بیان چه چیزی است؟ (Van Dijk, 2006: 362)

ون دایک معتقد است که فهم، درک، معنا و تفسیر نه تنها به قلمرو ساختارهای گفتمانی و تعامل‌های اجتماعی بلکه به قلمرو ذهن نیز تعلق دارند. از منظر ون دایک علاوه بر شکل، معنا، تعامل و شناخت، بافت نقش مهمی در توصیف و تبیین متن و گفت‌وگو دارد. وی بافت را به طور خلاصه در مقام ساختار همه‌ی مشخصه‌های موقعیت اجتماعی که در تولید یا درک گفتمان نقش دارند تعریف کند. از این منظر ویژگی‌های بافت نه تنها گفتمان را تحت تاثیر قرار می‌دهند بلکه گفتمان هم می‌تواند این مشخصه‌های بافتی را تعیین کند یا آن‌ها را تغییر بدهد. از نکات برجسته‌ی این بحث تفکیک ساختارهای موضعی و عام بافتی می‌باشد. (Van Dijk, 1998: 129-132)

در این پژوهش ما به دنبال بازسازی پسینی نظم گفتمانی گفتمان فقهی حاکم بر سیاست‌گذاری عمومی در دوران پس از انقلاب با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان می‌باشیم. از این منظر رویکرد ون دایک به تحلیل گفتمان با توجه به مفاهیم مدنظر لاکلائو و موفه مناسب‌ترین نظریه برای روش پژوهش ما می‌باشد.

۵- گفتمان اسلام فقهاتی

۵-۱- ظهور گفتمان اسلام فقهاتی

تا دهه‌ی چهل گفتمان اسلام فقهاتی در ایران در سایه‌ی دیگر گفتمان‌های رقیب بود اما در سالهای میانی این دهه به یکی از گفتمان‌های آلترناتیو برای گفتمان مسلط موجود یعنی گفتمان پهلوی

¹ Teun Adrianus Van Dijk (1943)

مبدل گردید و فرآیند تکامل خود را طی نمود. گفتمان اسلام فقاهتی مبتنی بر اندیشه‌های امام خمینی رحمه الله علیه شکل گرفته بود و بر فقه و روحانیت به عنوان مفسران اصلی شریعت و ولایت فقیه تاکید داشت. (حسینی زاده، ۱۳۸۹: ۲۲۵) از این رو روحانیت در این گفتمان تنها مفسران معتبر شریعت به شمار می‌آیند و اسلام منهای روحانیت اسلامی بی‌محتوا و انحرافی تلقی می‌گردد.

امام خمینی رحمه الله علیه فقه را از دو منظر مورد توجه قرار می‌داد. نخست از منظر بینشی. بدین معنا که از منظر امام خمینی رحمه الله علیه فقه یک نگاه حکومتی و سیاسی دارد و حتی آن‌جا که احکام فردی را هم مورد بحث و بررسی قرار داده نگاهش اجتماعی می‌باشد و فرد را در صحنه اجتماع مد نظر قرار می‌دهد. و از این منظر حکم فقهی مورد نظر را به بحث قرار می‌داد. دو از منظر دانشی. بدین معنا که امام خمینی رحمه الله علیه فقه سیاسی را به عنوان یک دانش مستقل مورد توجه قرار داده و مطالب وی در حوزه ولایت فقیه، امر به معروف و نهی از منکر، نماز جمعه و... شاهدهی بر این مدعا می‌باشد.

اهمیت برداشت امام خمینی رحمه الله علیه از این جهت بود که ایشان بر پایه‌ی قرائتی منحصر بفرد از فقه سیاسی نه تنها با رژیم پهلوی به طور خاص بلکه با نظم رایج در جهان اسلام به طور عام نیز به مخالفت برخاست. در نتیجه به واسطه‌ی برداشت ایشان اسلامگرایی از یک مخالف ساده و حاشیه‌ای به یک جنبش ضد نظم حاکم تبدیل گردید. (سعید، ۱۳۷۶: ۱۰۴) و از این منظر تجلی اسلام سیاسی در قالبی جامع‌نگر در عصر نوین در چارچوب گفتمان اسلام فقاهتی فراهم آمد.

۲-۵- استیلاي گفتمان اسلام فقاهتی

گفتمان‌ها از زاویه و دریچه‌ی خاص خود به پدیده‌ها می‌نگرند و به طور طبیعی توان بازنمایی تمام ابعاد وجودی پدیده‌ها را ندارد و تنها وجه خاصی از پدیده‌ها را می‌نمایانند. از این‌رو گفتمان‌ها در صحنه‌ی سیاسی و اجتماعی در راستای طرد رقیب و تثبیت خود به عنوان گفتمان مشروع می‌کوشند تا با برجسته کردن نقاط ضعف گفتمان رقیب و به حاشیه راندن نقاط قوت آن در قالب‌های مختلف زبانی می‌پردازند. در چنین فضایی فقط گفتمان‌هایی قدرت بسیج اجتماعی می‌توانستند داشته باشند که قادر به انتقال روح انقلابی و رادیکالیسم به توده‌ها بودند. با توجه به بافت جامعه ایران برای این کار به سخن گفتن به زبان مردم با الهام از سنت مذهبی و آرمان‌هایی هم‌چون عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی نیاز داشتند

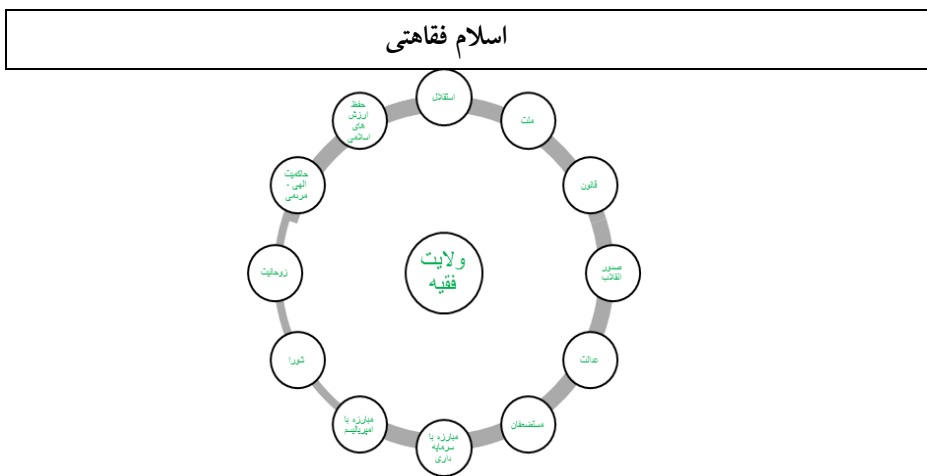
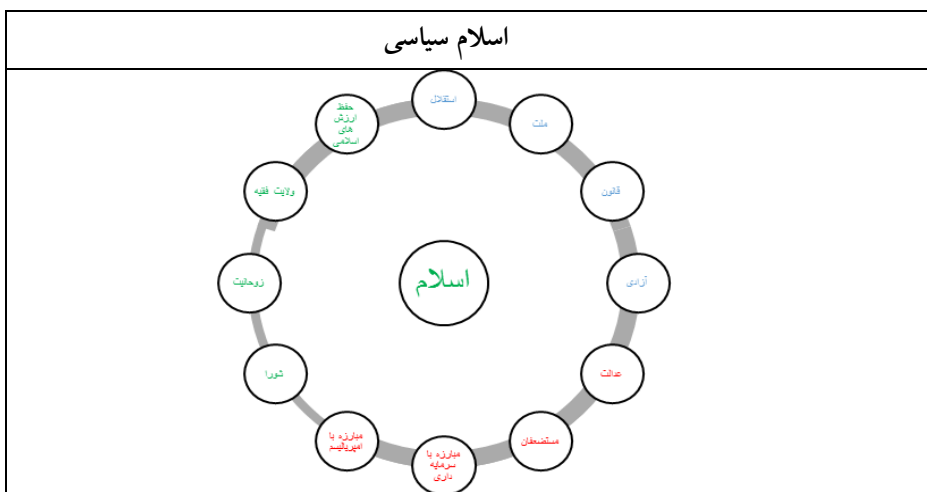
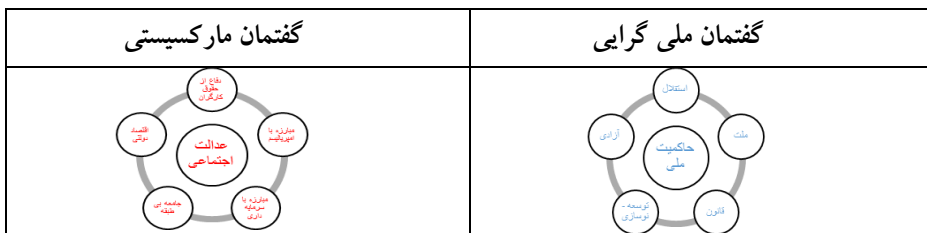
فلذا در این میان گفتمانی می‌توانست خود را به صورت گفتمان مسلط و هژمون بر عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی تثبیت کند که از این دو تکنیک به خوبی استفاده نماید. نخست این‌که از ادبیاتی بهره بجوید که برای همه قابل فهم باشد و دسترسی به آنان ممکن به نظر برسد در این صورت است که افکار و اذهان اجتماعی با گفتمان همراه خواهند شد. دوم این‌که همواره از ارزش‌ها، اهداف و آرمان‌هایش دفاع کند و از این منظر برای اذهان اجتماعی معتبر و ارزشمند باشد.

گفتمان اسلام فقهاتی با رهبری امام خمینی رحمه الله علیه با بهره‌گیری از همین دو تکنیک توانست به گفتمان غالب در مبارزه تبدیل شود. امام خمینی رحمه الله علیه ارتباط گسترده و نزدیکی با شبکه‌ی وسیع روحانیت داشتند. این شبکه عموماً از نیروهایی که مروج و بیان‌کننده اندیشه و فکر امام خمینی رحمه الله علیه بودند در نقاط گوناگون کشور تشکیل می‌شد و به مثابه یک حزب سیاسی در ایران عمل می‌کرد. هرچند در ظاهر ویژگی‌های حزب را نداشت.

نکته‌ی حایز اهمیت در این میان این است که گفتمان اسلام فقهاتی به رهبری امام خمینی رحمه الله علیه دارای خصلتی عام و استعاری بود و از این رو تا پیروزی انقلاب اسلامی نشانه‌ها و مفهومی‌های اختصاصی آن چندان روشن نبودند. کمی پس از پیروزی انقلاب بود که گفتمان اسلام فقهاتی کم‌کم نشانه‌ها و مفهومی‌های خود را در یک دوره‌ی منازعه سخت گفتمانی و در رویارویی با سایر گفتمان‌ها منظور کرد و به یک منظومه‌ی مشخص معنایی دست یافت.

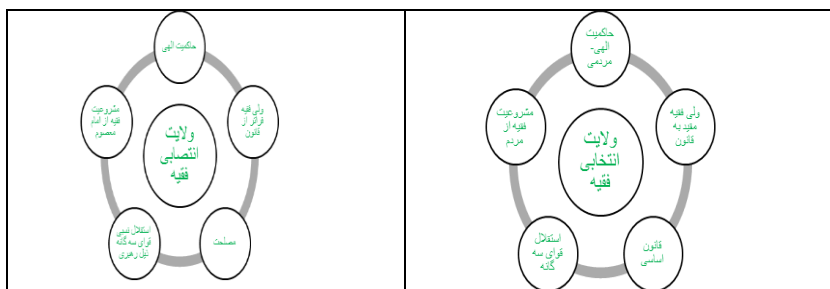
گفتمان اسلام فقهاتی هم‌چون دیگر گفتمان‌ها نمی‌توانست پس از پیروزی جنبه‌ی عام و استعاری خود را حفظ کند. چرا که تکثر نشانه‌ها و تنوع تقاضاها و نیروهای اجتماعی به گونه‌ای است که امکان پوشش همه‌ی آن‌ها از سوی یک گفتمان وجود ندارد. از این رو پس از پیروزی گفتمان‌ها کم‌کم از فضای اسطوره‌ای و عام فاصله گرفته و به محتواهای عینی خود که بخشی از تقاضاهای اجتماعی را پاسخ می‌دهد روی می‌آورند.

از دیگر سوی تقابل با گفتمان مسلط که اتحاد میان گفتمان‌های ضد را ممکن کرده بود پس از فروپاشی آن از بین می‌رود و همدلی‌ها و همراهی‌ها جای خود را به دشمنی و رقابت می‌دهد. از این رو پس از فروپاشی گفتمان مسلط با دوره‌ای منازعه مواجه خواهیم شد. دوره‌ای که مشخص‌کننده‌ی سرشت و سرنوشت جامعه در آینده می‌باشد. چرا که در این دوره‌ی منازعه دال‌ها و نشانه‌هایی که تثبیت می‌شوند جامعه را شکل داده و ساماندهی می‌کنند و حتی ماهیت و سرشت آن را تغییر می‌دهند.



۶- خرده گفتمان‌های اسلام فقهاتی

پس از استیلا و سیطره‌ی گفتمان اسلام فقهاتی بر گفتمان‌های رقیب در روند استقرار جمهوری اسلامی، رقابت میان دو خرده گفتمان ولایت انتخابی فقیه و ولایت انتصابی فقیه ذیل گفتمان اسلام فقهاتی بالا گرفت. از یک سو طرفداران خرده گفتمان ولایت انتصابی فقیه معتقد به نصب ولی فقیه توسط امام معصوم بودند. (مصباح، ۱۳۷۷: ج ۱، ۲۴) (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۱۶۱) (جوادی آملی، ۱۳۶۸: ۱۶۴) (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۵) (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ج ۱، ۴۸۶) و از دیگر سو طرفداران خرده گفتمان ولایت انتخابی قرار داشتند که معتقد بودند که مشروعیت ولی فقیه نه از سوی امام معصوم بلکه ناشی از انتخاب مردم می‌باشد. (متظری، ۱۳۸۸: ج ۱، ۱۳) (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۶۳: ۴۷-۴۹) سیر تقابل و نزاع میان این دو خرده گفتمان از نخستین روزهای استیلاي اسلام فقهاتی تا بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ مشهود است.



۷- قانون اساسی جمهوری اسلامی

قانون اساسی چارچوب کلان و اساسی برای شکل‌گیری هر یک از نظام‌های سیاسی به شمار می‌رود و از این رو همواره از موضوعات مهم و جدی می‌باشد که تدوین آن با چالش‌های جدی همراه بوده است و همچنین یکی از منابع اصلی قدرت در ساختار قدرت سیاسی نظام‌های کنونی در جهان محسوب می‌گردد. در همین راستا هاشمی معتقد است که خطوط کلی سیاست‌ها در قانون اساسی مقرر شده است. (هاشمی، ۱۳۸۳: ۶۹)

در واقع براساس قانون اساسی است که میزان اقتدار و تاثیرگذاری نهادها و ساختارها براساس شرح وظایف و اختیارات و کارویژه‌های آنان از جمل نقش‌شان در سیاست‌گذاری معین شده است.

توضیحات	قانون اساسی	مشروعیت	قانون اساسی	سطح	سیاست‌گذاری	
	-۱۰۷ ۱۰۹	الهی - نایب امام معصوم ع با انتخاب خبرگان رهبری از میان فقهای واجد شرایط	۵۷-۱۱۰	کلان	مستقیم	رهبر (ولی فقیه)
			۵۷-۱۱۰	بینابینی		
			۵۷-۱۱۰	تصمیمی		
			-۵۷-۱۱۰ ۶۰	اجرایی		
رئیس‌جمهور برای چهار سال انتخاب می‌شود و انتخاب مجدد او به صورت متوالی تنها برای یک دوره بلامانع است	۱۱۴-۹۹	تنفیذ حکم رئیس‌جمهوری به منتخب مردم از میان کاندیداهای مورد تایید شورای نگهبان	۱۲۳-۱۱۳	بینابینی	مستقیم	رئیس جمهور
			-۱۱۳	تصمیمی		
			-۱۲۶-۱۲۵ ۱۳۲			
			-۱۳۲- ۱۱۳-۱۳۴	اجرایی		
دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی چهار سال است. انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دوره قبل برگزار شود	-۷۱-۶۲ ۷۳-۷۲	منتخب مردم از میان کاندیداهای مورد تایید شورای نگهبان	۵۸	بینابینی	مستقیم غیر مستقیم	مجلس شورای اسلامی
			-۸۸-۸۷	تصمیمی		
			۸۹-۷۷-۷۶			
			-۸۸-۸۷ ۹۰-۸۹	اجرایی		
اعضای شورای نگهبان برای مدت شش سال انتخاب می‌شوند ولی پس از سه سال، نیمی از اعضای هر گروه به قید قرعه تغییر می‌یابند و اعضای تازه‌ای به	۹۲-۹۱	شش نفر فقیه به انتخاب مستقیم رهبر (ولی فقیه) شش نفر حقوقدان با رای مجلس شورای اسلامی از میان گزینه‌های پیشنهادی رئیس	-۹۴-۹۳	بینابینی	مستقیم غیر مستقیم	شورای نگهبان
			۹۸-۹۶	تصمیمی		
			۹۹			

جای آنها انتخاب می شوند.		قوه ی قضائیه				
دوره ی ریاست بر قوه ی قضائیه پنج سال می باشد. که تمدید آن بلامانع است.	-۱۱۰ ۱۵۷	عالیترین مقام قوه قضائیه منصوب رهبری (ولی فقیه) می باشد.	-۱۷۳-۱۵۸	تصمیمی	مستقیم	قوه قضائیه
			۱۷۴-۱۷۰	اجرائی		
اعضای ثابت هر پنج سال یکبار انتخاب می شوند	۱۱۲	چهل و چهار نفر به انتخاب مستقیم رهبر (ولی فقیه) و یک نفر مهمان متناسب با موضوع جلسات	۱۱۰	کلان	مستقیم	مجمع تشخیص مصلحت نظام
			۱۱۲-۱۱۰	بینابینی		
			۱۱۲-۱۱۰	تصمیمی		
			۱۱۲-۱۱۰	اجرائی		
			-۱۱۱-۱۱۰	کلان	غیرمستقیم	
			۱۷۷-۱۱۲	بینابینی		
			-۱۱۱-۱۱۰	تصمیمی		
			۱۷۷-۱۱۲	اجرائی		
وزیران امور خارجه، دفاع و اطلاعات با مشورت رهبر (ولی فقیه) معرفی می شوند. وزیر دادگستری از میان گزینه های معرفی شده ی قوه ی قضائیه توسط رئیس جمهور و برای تأیید به	-۸۷ -۱۳۳ -۱۳۴ ۱۵۹	رای اعتماد مجلس شورای اسلامی به گزینه ی معرفی شده توسط رئیس جمهور.	۱۳۴-۷۴	بینابینی	مستقیم	وزیران
			-۱۳۴-۱۲۷	تصمیمی		
			۱۳۸-۱۳۷	اجرائی		

مجلس معرفی می شود.						
متشکل از هشناد و هشت نفر برای دوره هشت ساله می باشد.	۱۰۸	منتخب مردم از میان فقهای کاندید مورد تایید شورای نگهبان	۱۱۱-۱۰۹	کلان	غیر مستقیم	خبرگان رهبری
دبیر شورا نیز با انتخاب مستقیم رئیس جمهور تعیین می شود و مسئولیت اداره دبیرخانه و نظارت بر اجرای صحیح تصمیمات و مصوبات شورا و امور اداری و اجرایی شورا را بر عهده دارد. با اینکه دبیر حق رأی ندارد، اما مطابق روال مرسوم در اغلب موارد پس از انتخاب دبیر از سوی رئیس جمهور، همزمان رهبر	۱۷۶	به ریاست رئیس جمهور و متشکل از روسای قوای سه گانه، رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح، مسوول امور برنامه و بودجه، دو نماینده به انتخاب مقام رهبری، وزرای امور خارجه، کشور، اطلاعات، حسب مورد وزیر مربوط و عالیترین مقام ارتش و سپاه	۱۷۶	بینابینی	مستقیم	شورای امنیت ملی
			۱۷۶	تصمیمی		

(ولی فقیه)، وی را به نمایندگی رهبری در شورا نیز منصوب می‌کند تا حق رأی داشته‌باشد.						
رئیس این سازمان معاون رئیس‌جمهور ایران محسوب می‌شود.	۱۲۶	رئیس‌جمهور مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور را مستقیماً بر عهده دارد.	۱۲۶	بینابینی	مستقیم	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی
			۱۲۶	تصمیمی		
	۱۷۳	ریاست آن منصب رئیس قوه ی قضائیه می باشد	۱۷۳	تصمیمی	مستقیم	دیوان عدالت اداری
			۱۷۳	اجرایی		
	۱۷۴	ریاست آن منصب رئیس قوه ی قضائیه می باشد	۱۷۴	اجرایی	مستقیم	سازمان بازرسی کل
شورایی شش نفره و مرکب از نمایندگان رئیس‌جمهور و رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی (هر کدام	۱۷۵	ریاست آن منصب رهبری (ولی فقیه) می باشد.	۱۷۵	اغنایی	غیرمستقیم	صدا و سیمما

دو نفر) بر این سازمان نظارت دارند.						
------------------------------------	--	--	--	--	--	--

با توجه به نقش اساسی و کلیدی نهاد رهبری یا ولایت فقیه در سطوح مختلف سیاست‌گذاری بر مبنای قانون اساسی و همچنین نقش آن به عنوان دال مرکزی گفتمان اسلام فقهاتی و نقطه‌ی تقابل خرده‌گفتمان‌های انتصابی و انتخابی، لازم است که به سیر تاریخی این نهاد پیش و پس از بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بپردازیم.

اصل پنجم

- بعد از بازنگری (۱۳۳۸): در زمان غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرج در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی آگاه به زمان شجاع مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد.

- پیش از بازنگری (۱۳۵۸-۱۳۳۸): در زمان غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرج در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی آگاه به زمان شجاع مدیر و مدبر است که اکثریت مردم او را به رهبری شناخته و پذیرفته باشند و در صورتی که هیچ فقیهی دارای چنین اکثریتی نباشد رهبر یا شورای رهبری مرکب از فقهای واجد شرایط بالا طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد.

اصل پنجاه و هفتم

- بدون تغییر (۱۳۵۸): قوای حاکم در جمهور اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.

اصل یکصد و هفتم

- بعد از بازنگری (۱۳۶۸): پس از مرجع عالیقدر تقلید و رهبر کبیر انقلاب جهانی اسلام و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی قدس سره‌الشریف که از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شدند تعیین رهبر به عهده‌ی خبرگان منتخب مردم است. خبرگان رهبری درباره‌ی همه فقهای واجد شرایط

مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم بررسی و مشورت می کنند هرگاه یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسایل سیاسی و اجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل یکصد و نهم تشخیص دهند او را به رهبری انتخاب می کنند و در غیر این صورت یکی از آنان را به عنوان رهبر انتخاب و معرفی می نمایند. رهبر منتخب خبرگان ولایت امر و همه‌ی مسوولیت‌های ناشی از آن را بر عهده خواهد داشت. رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.

- پیش از بازنگری (۱۳۵۸-۱۳۶۸): هر گاه یکی از فقهای واجد شرایط مذکور در اصل پنجم این قانون از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شده باشد، همانگونه که در مورد مرجع عالیقدر تقلید و رهبر انقلاب آیت‌الله‌العظمی امام خمینی چنین شده‌است، این رهبر، ولایت امر و همه مسوولیت‌های ناشی از آن را بر عهده دارد، در غیر این صورت خبرگان منتخب مردم درباره‌ی همه کسانی که صلاحیت مرجعیت و رهبری دارند بررسی و مشورت می کنند، هر گاه یکی مرجع را دارای برجستگی خاص برای رهبری ببیند او را به عنوان رهبر به مردم معرفی می نمایند، وگرنه سه یا پنج مرجع واجد شرایط رهبری را به عنوان اعضای شورای رهبری تعیین و به مردم معرفی می کنند.

اصل یکصد و نهم

- بعد از بازنگری (۱۳۶۸): ۱- صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه. ۲- عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام. ۳- بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری. (در صورت تعدد واجدین شرایط فوق، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی‌تر باشد مقدم است).

- پیش از بازنگری (۱۳۵۸-۱۳۶۸): ۱- صلاحیت علمی و تقوایی لازم برای افتاء و مرجعیت. ۲- بینش سیاسی و اجتماعی و شجاعت و قدرت و مدیریت کفای برای رهبری.

اصل یکصد و دهم

- بعد از بازنگری (۱۳۶۸): ۱- تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام. ۲- نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام. ۳- فرمان همه‌پرسی. ۴- فرماندهی کل نیروهای مسلح. ۵- اعلام جنگ و صلح و بسیج نیروها. ۶- نصب و عزل و قبول استعفا: فقهای شورای نگهبان، عالیترین مقام قوه قضائیه،

رئیس سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، رئیس ستاد مشترک، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی. ۷- حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه. ۸- حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام. ۹- امضاء حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می‌آید، باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان و در دوره اول به تأیید رهبری برسد. ۱۰- عزل رئیس‌جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی، یا رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی بر اساس اصل هشتم و نهم. ۱۱- عفو یا تخفیف مجازات محکومیت در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضاییه. (رهبر می‌تواند بعضی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض کند)

- پیش از بازنگری (۱۳۵۸-۱۳۶۸): ۱- تعیین فقهای شورای نگهبان. ۲- نصب عالیترین مقام قضایی کشور. ۳- فرماندهی کلی نیروهای مسلح به ترتیب: نصب و عزل رئیس ستاد مشترک، نصب و عزل فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تشکیل شورای عالی دفاع ملی (مرکب از هفت نفر: رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، وزیر دفاع، رئیس ستاد مشترک، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دو مشاور به تعیین رهبر)، تعیین فرماندهان عالی نیروهای سه‌گانه به پیشنهاد شورای عالی دفاع و اعلام جنگ و صلح و بسیج نیروها به پیشنهاد شورای عالی دفاع. ۴- امضای حکم ریاست‌جمهور پس از انتخاب مردم صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می‌آید باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان و در دوره اول به تأیید رهبری برسد. ۵- عزل رئیس‌جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور، پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی یا رأی مجلس شورای ملی به عدم کفایت سیاسی او. ۶- عفو یا تخفیف مجازات محکومیت، در حدود موازین اسلامی، پس از پیشنهاد دیوان عالی کشور.

اصل یکصد و هفتاد و پنجم

- بعد از بازنگری (۱۳۶۸): در صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد. نصب و عزل رئیس سازمان صدا

و سیمای جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است و شورایی مرکب از نمایندگان رئیس جمهور و رئیس قوه قضاییه و مجلس شورای اسلامی (هر کدام دو نفر) نظارت بر این سازمان خواهند داشت. خط مشی و ترتیب اداره سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می‌کند.

- پیش از بازنگری (۱۳۵۸-۱۳۳۸): در رسانه‌های گروهی (رادیو و تلویزیون) آزادی انتشارات و تبلیغات طبق موازین اسلامی باید تأمین شود. این رسانه‌ها زیر نظر مشترک قوای سه‌گانه‌ی قضاییه (شورای عالی قضایی)، مقننه و مجریه اداره خواهد شد. ترتیب آن را قانون معین می‌کند.

اصل یکصد و هفتاد و هفتم

- الحاقی پس از بازنگری (۱۳۳۸): بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در موارد ضروری به ترتیب زیر انجام می‌گیرد. مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس جمهور موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی با ترکیب زیر پیشنهاد می‌نماید: اعضای شورای نگهبان، روسای قوای سه‌گانه، اعضای ثابت مجمع تشخیص مصلحت نظام، پنج نفر از اعضای مجلس خبرگان رهبری، ده نفر به انتخاب مقام رهبری، سه نفر از هیئت وزیران، سه نفر از قوه قضاییه، ده نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و سه نفر از دانشگاهیان.

شیوه‌ی کار و کیفیت انتخاب و شرایط آن را قانون معین می‌کند. مصوبات شورا پس از تأیید و امضای مقام رهبری باید از طریق مراجعه به آرای عمومی به تصویب اکثریت مطلق شرکت‌کنندگان در همه‌پرسی برسد. رعایت ذیل اصل پنجاه و نهم در مورد همه‌پرسی بازنگری در قانون اساسی لازم نیست. محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه‌ی قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکاء به آراء عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییرناپذیر است.

۸- جمع بندی و نتیجه گیری

در این پژوهش ما به دنبال بازسازی پسینی نظم گفتمان فقهی حاکم بر سیاست‌گذاری عمومی

در دوران جمهوری اسلامی می‌باشیم. از این‌رو پس از پرداختن به مفاهیم کلیدی به طرح نظریه‌ی گفتمان از منظر ون‌دایک و مولفه‌های اساسی آن پرداختیم و کوشیدیم با بهره‌گیری از همین عناصر به بازشناسی خرده‌گفتمان‌ها موجود در اسلام فقاهتی دست بزنیم. از این منظر و با توجه به این‌که رویکرد این پژوهش توصیفی و پسینی است رویکرد ون‌دایک با بهره‌گیری از مفاهیم مدنظر لاکلائو و موفه مناسب‌ترین نظریه به عنوان چارچوب متدولوژیک برای این پژوهش بوده است. در همین چارچوب پس از توضیح سیر سیطره‌ی گفتمان اسلام فقاهتی بر گفتمان‌های رقیب پرداختیم.

از این منظر پس از شکست گفتمان پهلوی و در سیطره‌ی گفتمان اسلام فقاهتی عوامل گوناگونی چون قدرت گسترده‌ی حامی اصلی آن یعنی امام خمینی رحمه الله علیه و قابلیت دسترسی و ارتباط با توده‌ها به واسطه‌ی شبکه‌ی گسترده‌ی روحانیت و مساجد و بهره‌مندی ماهرانه از شرایط تاریخی نقش داشتند. هرچند نمی‌توان از تاثیر اشتباه‌های فاحش رقیبان و ناتوانی آنان در اتخاذ سیاست‌ها و استراتژی‌های مناسب نیز غافل ماند.

دال‌ها و یا نشانه‌های گفتمان اسلام فقاهتی در طی فرایند تاریخی منازعه شکل گرفتند و به تثبیت معنایی موقت دست یافتند. به نظر می‌رسد که هیچ یک از این نشانه‌ها از پیش تعیین شده نبودند. در واقع گفتمان‌های رقیب به همراه معانی و نشانه‌هایشان در سایه‌ی توانمندی‌های اسلام سیاسی فقاهتی در ارتباط با توده‌ها و تاثیرگذاری بر آنان یا محو و یا جذب شدند. گفتمان اسلام فقاهتی با دسترسی به ابزارهای قدرت به ویژه مجموعه‌ای از نیروهای وفادار نظامی و شبه نظامی و باز تفسیر مفاهیم مدنظر خود، موفق به طرد رقیبان و تثبیت معانی و نشانه‌های رقبایش گردید.

از این تاریخ به بعد توجه به مبانی نظام به ویژه نهاد رهبری یا نظریه‌ی ولایت فقیه و برداشت‌های متفاوت خرده‌گفتمان‌های انتصابی و انتخابی از آن از جمله موضوعات محوری بوده و توجه به آن می‌تواند نظام سیاست‌گذاری را در اذهان مشخص بسازد. از این‌رو به بررسی نهاد رهبری یا ولایت فقیه به عنوان دال مرکزی و نقطه‌ی تقابل این دو خرده‌گفتمان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان سند مکتوب پرداختیم.

گفتمان اسلام فقاهتی	
مبارزه با امپریالیسم، عدالت، استقلال، شورا، فقه، روحانیت، حفظ ارزش‌های اسلامی، دفاع از مستضعفین	
خرده گفتمان ولایت انتخابی فقیه	خرده گفتمان ولایت انتصابی فقیه
ولی فقیه مفید به قوانین	ولی فقیه فرا قانون

حاکمیت الهی مشروعیت فقیه از امام معصوم قوای سه گانه ذیل ولایت فقیه مصلحت	حاکمیت الهی - مردمی مشروعیت فقیه مردمی استقلال قوای سه گانه قانون اساسی
---	--

با دقت در اصول مختلف قانون اساسی جمهوری اسلامی چه پیش از بازنگری و چه پس از آن پیرامون نهاد رهبری یا ولایت فقیه و هم‌چنین با توجه به گستردگی این مفهوم در گفتمان اسلام فقهاتی می‌توان این‌گونه استنباط کرد که منظور تدوین‌کنندگان قانون اساسی از ولی فقیه و رهبری صرفاً کشورداری و مدیریت نبوده است و از ابتدا اختیارات ایشان در تمامی شئون مملکت مدنظر بوده است. همان‌طور که بیشتر گفته شد بر مبنای گفتمان اسلام فقهاتی انسان‌ها تمام هستی خود را از خداوند می‌گیرند و لازم است تا از دستورات او اطاعت کنند و در عصر غیبت این فقها هستند که از برتری و مشروعیت در این حوزه برخوردارند و در نتیجه اطاعت از فقها اطاعت از فرامین الهی می‌باشد.

با این تفاوت که از قانون اساسی پیش از بازنگری استنباط می‌گردد که در آن برهه‌ی زمانی گویا خرده‌گفتمان ولایت انتخابی به شکل ماهوی مورد نظر تدوین‌کنندگان بوده است و در این دوره سیاست‌گذاری عمومی جنبه‌ی غیرمستقیم با بهره‌گیری از قوای سه گانه با توجه به فرمایشات ولی فقیه و در چارچوب قانون اساسی داشته است. نکته‌ی حایز اهمیت ایناست که در همین دوره‌ی زمانی نیز امام خمینی رحمه الله علیه اختیاراتی فراتر از قانون اساسی برای ولی فقیه قایل بوده‌اند. چرا که بعضی از اقدامات ایشان در همین دوره برحسب ضرورت فراتر از قانون اساسی بوده است از جمله تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجمع تشخیص مصلحت نظام که همگی مبتنی بر استنباط ایشان از ولایت و اختیارات مطلقه آن بوده است. و از همین رو می‌توان مدعی شد که امام خمینی رحمه الله علیه نخستین گام‌ها را برای گذر از خرده‌گفتمان ولایت انتخابی به خرده‌گفتمان ولایت انتصابی را از سال‌های نخست سیطره‌ی اسلام فقهاتی برداشته‌اند.

و اما پس از بازنگری در قانون اساسی و اعمال اصلاحاتی در اصول یکصد و هفتم، یکصد و دهم، یکصد و دوازدهم، یکصد و هفتاد و پنجم و دو اصل الحاقی یکصد و هفتاد و ششم و یکصد و هفتاد و هفتم که پیش‌تر نیز به آن‌ها اشاره شد خرده‌گفتمان ولایت انتصابی به شکل کامل سیطره و استیلا یافت و به شکل قانونی و حقوقی و در قالب اصول قانون اساسی حکمفرما شد. از آن پس سیاست‌گذاری به شکل مطلق و مستقیم در اختیار مقام رهبری و یا ولی فقیه با مشاوره‌ی مجمع

تشخیص مصلحت نظام قرار گرفت و قوای سه‌گانه نقش فراهم‌آور، برنامه‌ریز و یا سیاست‌گذار خرد زیر نظر نهادهای نظارتی از جمله شورای نگهبان را در نظام جمهوری اسلامی پیدا کردند.

سیاست‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران (تحت سیطره و استیلای گفتمان اسلام فقهاتی)		
ولی فقیه به شکل غیرمستقیم	<ul style="list-style-type: none"> - مردمی - الهی - قوای سه‌گانه عامل سیاست‌گذاری عمومی - سیاست‌گذاری عمومی در چارچوب قانون اساسی - نقش رهنمودی بیانات رهبری یا ولی فقیه 	پیش از بازنگری قانون اساسی (۱۳۵۸-۱۳۳۸)
ولی فقیه به شکل مستقیم	<ul style="list-style-type: none"> - الهی - سیاست‌گذاری خرد قوای سه‌گانه ذیل سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری یا ولی فقیه - عدم تقید سیاست‌گذاری عمومی به چارچوب قوانین و مبتنی بر مصلحت - سیطره‌ی کامل رهبری یا ولی فقیه بر سیاست‌گذاری عمومی - نقش حکم حکومتی بیانات رهبری یا ولی فقیه 	پس از بازنگری قانون اساسی (۱۳۳۸ -)

در نهایت می‌توان گفت که با بررسی اصول مرتبط با نهاد رهبری یا ولایت فقیه به عنوان دال مرکزی گفتمان اسلام فقهاتی و نقطه‌ی کانونی سیاست‌گذاری در قانون اساسی جمهوری اسلامی تحت سیطره و استیلای خرده‌گفتمان‌های انتخابی و انتصابی درمی‌یابیم که سیر تکامل قانون اساسی از پیش از بازنگری تا پس از آن، منجر به تغییر سیاست‌گذاری عمومی از غیرمستقیم توسط ولی فقیه به مستقیم توسط ولی فقیه گردیده است.

کتابنامه

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۵۸-۱۳۳۸).

- ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی؛ أبو الفضل، جمال الدین. (۱۴۱۴). *لسان العرب*. جلد پانزدهم، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
- امام خمینی، ر. (۱۳۸۸). *صحیفه امام*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله علیه.
- تاجیک، م. ر. (۱۳۷۹). *گفتمان و تحلیل گفتمانی: متن، وانموده و تحلیل گفتمان*. تهران: نشر فرهنگ گفتمان.
- تاجیک، م. ر. (۱۳۸۳). *گفتمان یادگفتمان و سیاست*. تهران: موسسه تحقیقات و توسعه انسانی.
- جناتی، م. ا. (۱۳۷۴). *ادوار فقه و کیفیت بیان آن*. تهران: کیهان.
- جوادی آملی، ع. (۱۳۶۸). *پیرامون وحی و رهبری*. قم: الزهرا.
- جوادی آملی، ع. (۱۳۸۵). *دین شناسی*. قم: اسراء.
- حسینی زاده، م. ع. (۱۳۸۹). *اسلام سیاسی در ایران*. قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- سعید، ب. (۱۳۷۶). *هراس بنیادین: اروپامداری و ظهور اسلام گرایی*. ترجمه غلامرضا جمشیدیها و موسی عنبری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شب خیز، م. ر. (۱۳۹۲). *اصول فقه دانشگاهی*. قم: نشر لقا.
- شهابی، م. (۱۳۷۵). *ادوار فقه*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- صافی گلپایگانی، ل. (۱۴۱۵). *ضروره وجود الحکومه او ولایه الفقهاء فی عصرالغیبه*. قم: دارالقرآن الکریم.
- صالحی نجف آبادی، ن. (۱۳۶۳). *ولایت فقیه؛ حکومت صالحان*. قم: مؤسسه فرهنگی رسا.
- گرجی، ا. (۱۳۷۷). *تاریخ فقه و فقها*. تهران: سمت.
- مشکینی، ع. (۱۴۱۶). *اصطلاحات الاصول*. قم: نشر الهادی.
- مصباح یزدی، م. ت. (۱۳۷۷). *سلسله مباحث اسلام سیاست و حکومت*. انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله علیه.
- مصباح یزدی، م. ت. (۱۳۹۱). *نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه*. انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله علیه.
- مصطفوی، ح. (۱۴۰۲). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: مرکز کتاب لترجمه و النشر.
- مطهری، م. (۱۳۹۴). *آشنایی با علوم اسلامی*. قم: صدرا.

- مک دانل، د. (۱۳۸۰). *مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتگومان*. (حسینعلی نوذری). تهران: نشر فرهنگ گفتگومان.
- مکارم شیرازی، ن. (۱۴۱۱). *التواعد الفقہیہ*. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب ع.
- منتظری، ح. (۱۳۸۸). *حکومت دینی و حقوق انسان*. تهران: گواهان.
- هاشمی، س. م. (۱۳۸۳). "قانون اساسی و حاکمیت مردم." *فصلنامه حقوق اساسی*، شماره ۳.
- Anderson, J. E. (1994). *Public Policymaking: An Introduction*. Boston: Houghton Mifflin Company.
- Fairclough, N. (2001). "The dialectics of discourse." *Textus XIV*, pages 231-242.
- Hamlyn, D.W. (1967). "A Priori and A Posteriori." in *The Encyclopedia of Philosophy*. vol. 1, ed. Paul Edwards, New York: Macmillan Publishing Company & The Free Press.
- Howarth, D. (2000). *Discoicurse*, Buckingham: Open University Press.
- Howarth, D., Torfing, J. (2005). *Discourse Theory in European Politics*. London: Palgrave Macmillan.
- Jorgensen, M., Phillips, L. (2002). *Discourse Analysis as Theory and Method*. London: SAGE Publications.
- Laclau, E., Mouffe, C. (1985). *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics*. London: Verso.
- Lasswell, H. D. (1951). *The Policy Orientation, In The Policy Sciences*. edited by Lerner and Lasswell, California: Stanford University Press.
- Sabatier, P. A. (1991). "Toward Better Theories of the Policy Process." *Political Science and Politics*, 24, no. 2, pp. 147-156.
- Shafritz, Jay M., Russell, E. W., Borick, Christopher P. (2008). *Introducing Public Administration*. London: Pearson.
- Simpson, Anne B. (1990). "The Tangible Antagonist: H. G. Wells and the Discourse of Otherness." *Extrapolation*, 31, no. 2, pp. 134-147.
- Smith, K. B., Larimer, C. W. (2013). *The Public Policy Theory Primer*. Boulder, Colorado :Westview Press.
- Van Dijk, T. A. (2000). *Ideology and discourse*. Barcelona: Ariel. (An earlier version of this book was used as an internet course for the Universitat Oberta de Catalunya: Open University)
- Van Dijk, T. A. (2006). "Discourse and manipulation." *Discourse & Society*, 17, no.3, pp. 359-383.
- Van Dijk, T.A. (1998). *Ideology: A Multidisciplinary Approach*. London: Sage.